

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نباشد تن من مباد بدین بوم و بر زنده یک تن مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Vanguard Woman

زن پیشواز

شباهنگ راد

۰۸ مارچ ۲۰۲۰

هشت مارچ، نماد حق طلبی و آگاهی زنان

در آستانه هشت ماه مارچ روز جهانی زن قرار داریم. به طور قطع دست اندازها و دشواری‌های بس فراوانی در مقابلِ نیمی از جمعیتِ جوامع بشری قرار دارد؛ دست اندازها و دشواری‌هایی که برون‌رفت از آن‌ها، نیاز به بررسی عمیقِ اوضاعی دارد که حاکمان جهان نه در برابر زنان، بلکه نسبت به دیگر جنسیت‌ها انتخاب کرده اند. پیداست که رهائی زنان از قید و بندهای اسارت‌بار، با رهیافت‌های تجربیدی و آن‌هم در دنیایی که سرمایه داران در حوزه های متفاوت جنگ انداخته اند، ناممکن است.

درواقع زندگی در جهان انباشته از دارائی و پس انداز شده، به دلیل زیاده خواهی و تعدی سرمایه داران، برای میلیاردها انسان دردمند بسیار مشقت‌بار و زجرآور شده است. میلیون‌ها انسان از فرط فقر و نداری زندگی‌شان هدر رفته است؛ میلیون‌ها کارگر فاقد لوازم اولیه کاری، بهداشتی و ایمنی اند؛ میلیون‌ها تن دیگر برای کسب حقوق‌های معوقه‌شان با کارفرمایان و صاحبان تولیدی کلنجار می‌روند؛ میلیون‌ها زن و دختر به دلیل قوانین ارتجاعی و ظالمانه، مورد توهین، تحقیر و تعرض جنسی و جنسیتی قرار می‌گیرند، و خلاصه میلیون‌ها کودک هم، به نیروی کار ارزان تبدیل شده اند، تا مبادا بر روندِ سودآوری و چپاول‌گری حاکمان خدشه ای وارد گردد. براستی چرخه دنیای کنونی در مسیر حقیقی خود در گردش نیست و عده ای مفت‌خوار، با قبضه اهرم‌های حکومتی - دولتی، و نیز با استفاده از سلاح و سرکوب، در صدد تخریب هر بیشتر زندگانی میلیاردها انسان و به ویژه زنان سرتاسر دنیا می‌باشند. بدین ترتیب و در جمع‌بندی ساده ای می‌شود گفت که در چنین جهانی، خواست‌های قربانیان نظام امپریالیستی سرتاسر جهان هم سان، و ستم و تحقیر جنس‌ها از جانب نکوهش‌گران و غارت‌گران، شبیه به هم است. یعنی این که سیاست حاکم بر جهان کنونی، سیاست پس زدن زن‌ها و آن‌هم همراه با دیگر جنسیت‌هاست؛ یعنی این که نظام‌های سرمایه داری بنا به ماهیت‌شان در فکر تعرض به معیشت میلیون‌ها انسان دردمند، جنس‌ها و جنسیت‌های متفاوت اند؛ خلاصه سیاست تبلیغ و ترویج نابرابری‌ها، در حوزه های هم‌چون کار برابر، در برابر حقوق نابرابر، امری طبیعی و معمولی به حساب آمده و به جرأت می‌توان گفت که طرح مساوات طلبی و اجرای عدالت که به تم دولت‌مردان و حکومت‌مداران جهان تبدیل گشته، چیزی جز پوچ و بی‌معنی نیست.

آری، سرمایه داران جهان از یک‌طرف نابرابری‌های شغلی و جنسیتی را از طرف دولت‌ها - و آن‌هم در حوزه های هم‌چون سیاسی - اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی -، به زنان تحمیل می‌کنند و از طرف دیگر حرف از محترم شمردن به حقوق زنان می‌زنند. معلوم است که تعابیر دولت‌مردان حاکم بر جهان، رواج نابرابری‌ها و محروم کردن زنان و

دختران در انتخاب شغل و پوشش دلخواه شان است؛ معلوم است که عامل فقر و گوشه نشینی زنان از گردونه تولیدات و مناسبات اجتماعی، نظام‌های جبار حاکم بر جهان کنونی اند. بی‌تردید راندمان منفی سیاست‌های ارتجاعی دولت‌مردان را می‌شود، در پهنه‌های گوناگون و آن‌هم به درجات متفاوت، در دنیای اندوخته از ثروت دید. علاوه بر این‌ها و قابل یادآوری‌ست که وظیفه طبقات حاکمه، به هرز و هدر دادن توان و انرژی، بخش عظیمی از نیروی فعال جامعه است. چرا که نگاه طبقات بالا، نگاه تحقیر و توهین به زنان، نگاه پس‌زدن به حقوق‌های اولیه سازندگان اصلی جامعه و نیز نگاه تعرضی و تحمیلی سیاست‌های ارتجاعی و عقب‌مانده به جامعه انسانی است. حقیقتاً همه جا اوضاع زنان - و آن‌هم با اندکی تفاوت -، در معرض بی‌عدالتی‌ها و در معرض یورش بی‌حد و مرز حاکمان است. به همان دلیلی که از منظر سرمایه داران، فراگیری دانش و تحصیل، کار کودکان نیست، به همان دلیل هم، زنان نمی‌باید در گردونه اصلی مناسبات تولیدی، اجتماعی، فرهنگی و اقتصادی جامعه قرار گیرند و از نعمات آن‌ها بهره مند شوند. پس تبعیضات، محدودیت‌ها و پُرسش‌های بسیار زیادی در برابر زنان قرار گرفته است که بی‌شک، دستگاه و روابط حاکم بر جهان، توان پاس‌خوگی صحیح بدان‌ها را ندارد. پیداست که در چنین مناسباتی بخش اعظم مشاغل مدیریتی و مسؤولیت‌ها به مردان اختصاص داده می‌شود و در مقابل زنان، بسیار محصور و در قالب‌بندی‌های تعریف شده جامعه مبتنی بر نابرابری‌ها، قادر به فعالیت و نقش‌آفرینی اند. به طور مثال و بنابه روایت جمهوری اسلامی، مشارکت اقتصادی زنان در ایران کمتر از هیجده درصد است. پس تعجب آور نیست که آشکارا جامعه را در حوزه‌ها و در بخش‌های متفاوت، مردانه و زنانه کرده اند، و نیز تعجب آور نیست که مانع تصمیم، حضور و دخالت‌گری زنان در درون جامعه اند.

اما و علی‌رغم چیدمان قوانین و حاکمیت ارتجاعی و سرکوب‌گرانه، زنان آگاه سرتاسر دنیا، با اشراف به تبعیضات جاری و اعمال شده، پا پیش گذاشته و به انحای گوناگون حامیان و مجریان سیاست نابرابری‌های جنسی و جنسیتی را به نبرد فرا می‌خوانند. به طور نمونه در فرانسه و انگلستان هزاران زن با حمل پلاکاردها به خیابان‌ها سرازیر شده و خواهان رفع خشونت جنسی و جنسیتی اند. روشن است که این‌دست اعتراضات، مختص به زنان انگلستان و فرانسه نبوده و هزاران زن سرتاسر جهان، علیه بی‌عدالتی‌های موجود و علیه نابرابری‌ها در تقابل با مدافعان نظم کنونی به صف شده و خواهان به رسمیت شناختن حقوق بیش از نیمی از جمعیت جامعه اند. متأسفانه تعرض به زنان در ابعادی دهشتناک رو به بالاست و دولت‌های حاکم، نه تنها در صدد حمایت و پشتیبانی از زنان نیستند، بساکه عامل اصلی تبعیضات، توهین و رواج بیش از پیش تحقیر، تعرض جنسی و جنسیتی به زنان اند. حفره‌های جداسازی و حقیر شمردن زنان را روز به روز وسیع و وسیع‌تر می‌کنند. همین چند روز قبل - یعنی در بیستم فروری -، بود که هزاران زن عراقی در کنار مردان در بغداد و در چندین شهر دیگر به خیابان‌ها آمدند و مخالفت خود را نسبت به «مقتدی صدر» روحانی که خواستار زنانه و مردانه شدن تظاهرات ضد دولتی بود، اعلام کردند.

جهان و مناطق محروم را جانپان بشریت به لجن کشانده اند و بر دامنه تفاوت‌های طبقاتی و جنسیتی افزوده اند؛ علناً حقوق‌های بنیادی انسان‌ها را بر اساس میل و رغبت، تمایلات حقیر و فکری‌شان لگدمال کرده اند تا مبادا، بر میزان هوشیاری طبقاتی و نیز بر میزان دانش سیاسی جنس‌های متفاوت - و به ویژه زنان -، اضافه شود. در قرن رشد بی‌سابقه تکنیک و تکنولوژی، در پی جداسازی زنان از مردان، در پی اسارت و به بند کشیدن هر چه بیشتر زنان، و خلاصه در پی فاصله‌گیری زنان از دخالت‌گری‌های سیاسی - اجتماعی درون جامعه اند. مگر می‌شود تولیدات و گردش زمانه را بدون نیمی از نیروی فعال آن به حرکت در آورد؟ مگر می‌شود با قوانین دست و پاگیری که با افکار علیل سرمایه داران و مرتجعان، هم تراز نیست را به خورد جامعه، به مردان و به زنان داد؟ پیشقراولی زنان و دختران فلسطینی در برابر تهاجمات گستاخانه ارتش اسرائیل، و به دنباله دخالت گسترده دختران و زنان ایران، علیه سیاست‌های

ارتجاعی و پس‌مانده سردمداران رژیم جمهوری اسلامی، روشن‌گر این واقعیات است که پیش‌رفت و به ویژه برون‌رفت از نابرابری‌ها و بی‌عدالتی‌های موجود در جوامع متفاوت، بدون حضور فعال و بدون فعالیت‌های اقتصادی، سیاسی، اجتماعی و فرهنگی زنان ناممکن است. بی‌دلیل نیست که زنان و دختران ایران، به همراه دیگر زنان معترض سرتاسر جهان، با دخالت‌گری‌های سیاسی و اجتماعی‌شان، سران رژیم جمهوری اسلامی را کلافه و هلاک کرده‌اند. در این میان نظام جمهوری اسلامی به مانند دیگر نظام‌های مدافع نابرابری‌ها و نیز در چهارچوبه سیاست‌های دیگر دولت‌های سرمایه‌داری، تابه حال و با تصویب صدها قانون واپس‌گرا، بگیر و ببندهای وحشیانه نتوانسته است، زنان و دختران ایران را مطیع خواست‌ها و سیاست‌های ارتجاعی اش کند؛ بدست زنان و دختران ایران، راه هرگونه عمومی‌تر کردن قوانین عقب‌مانده را بسته‌اند و اجازه پهن‌تر کردن آن‌ها را به سران حکومت نداده‌اند. آخرین حيله، یعنی زور و سرکوب سازمانیافته ارگان‌های نظام هم نتوانسته است، زنان و دختران را به گنج خانه‌ها هدایت و آنان را از میدانی جنگ و جدال به دور کند. حضور بی‌وقفه در اعتراضات و اعتصابات متعدد و نیز همسوی با جوانان و دیگر توده‌های محروم برای بازستانی حقوق‌های پایمال شده‌شان، علامت و جلوه‌های شور مبارزاتی - اعتراضی زنان و دختران، در برابر حامیان سرمایه و نظام امپریالیستی حاکم بر ایران است. نه تنها چنین نقش، و شور برجسته در اعتراضات خیابانی دیماه [جدی] ۹۶، و آبانماه [عقرب] ۹۸ نمایان بود، بلکه از همان روزهای نخست حاکمیت ارتجاعی جمهوری اسلامی، زنان و دختران در مقابل سیاست "یا روسری، یا توسری"، به پاخاستند و در دوره‌ها و در زمانه‌های متفاوت، پیش کسوت مبارزه علیه بی‌عدالتی‌ها و نابرابری‌های درون جامعه بوده‌اند. دستگیری دختران و زنان مخالف، مبارز و کمونیست، و نیز اعدام صدها تن از آنان به جرم آزادیخواهی، نشانه آگاهی زنان و دختران، و به ویژه نشانه جایگاه و روحیه اعتراضی و رزمجویانه نیمی از جمعیت اثرگذار جامعه است.

بدین ترتیب و جدا از گرامیداشت هشت مارچ روز جهانی زن، بی‌مناسبت نیست تا بار دیگر به این نکات اساسی و مهم اشاره شود که رهائی زنان، تنها و تنها در بستر مبارزه سخت با قوانین و مناسبات ارتجاعی سرمایه‌داران و آن‌هم در همراهی با جنس‌های مخالف امکان پذیر می‌باشد. واقعیت این است که همه تلاش سرمایه‌داران و منادیان‌شان بر آن است تا جنبش‌های اعتراضی و خواسته‌های بنیادی زنان را به مسیرهای انحرافی همچون فرهنگ برتری طلبی مردان و امثالهم سمت و سو دهند؛ همه تلاش‌شان بر آن است تا علل اصلی مصیبت‌های وارده بر زنان را، به گرده افکار ناصحیح جنس‌های مخالف زنان ببندازند و قوانین ارتجاعی و عقب‌مانده‌شان را، به عنوان قوانین مدافع حقوق برابری زنان با مردان جلوه دهند. اما ثبت صدها دستور و مقررات واپس‌گرای مختص با مناسبات سرمایه‌داری، نمایان‌گر آن است که دلیل بنیادی نابرابری‌های شغلی، جنسی و جنسیتی در درون جوامع متفاوت، به ماهیت سیستم و مناسباتی بر می‌گردد که حاکمان و قدرت‌مداران جهان مدافع آنند؛ دلیل آن به فرهنگ و به ایدئولوژی مربوط می‌شود که طبقه سرمایه‌داری مؤد و حامی آن است. پس تا زمانی که نظام‌های سرمایه‌داری در مسند قدرت‌اند، زندگی زنان و آن‌هم به همراه دیگر جنسیت‌ها، در معرض تعرض به حقوق پایه‌ئی‌شان، و نیز در معرض نابرابری‌های شغلی و دیگر روابط و مناسبات اجتماعی حاکم بر جامعه خواهد بود. با این اوصاف با نابودی سیستم سرمایه‌داری و با ریشه کن کردن قوانین ارتجاعی اش است که زنان خواهند توانست، در کنار دیگر جنسیت‌ها و محرومان از مساوات طلبی و برابری برخوردار گردند و به دور از تبعیض، توهین و تحقیر، در مناصب متفاوت شغلی و تحصیلی اسارت‌بار امپریالیستی قرار گیرند و در جهت سازندگی و شکوفائی جامعه منطبق بر به رسمیت شناختن حقوق انسان‌ها گام بردارند.

۰۶ مارچ ۲۰۲۰ / ۱۶ اسفند [حوت] ۱۳۹۸